

افغانستان

په دې کتاب کې د افغانانو د
دیني او دنيوي حالاتو په اړه

دکتر محسن خلیلی

www.ketab.ir



انتشارات بدخشان

مشهد، ۱۴۰۱

سرشناسه: خلیلی، محسن، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور: افغانستان پیشاملت نادرولت / محسن خلیلی؛ ویراستار محمد جولائی شکیب.

مشخصات نشر: مشهد: بدخشان، ۱۴۰۰ | مشخصات ظاهری: ۳۲۸ ص.: جدول.

شابک: 978-600-6966-01-4 | وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: ص. ع. به انگلیسی: ... Mohsen Khalili. Afghanistan

یادداشت: کتابنامه: ص. [۳۰۵] - ۳۲۵.

موضوع: افغانستان -- تاریخ | Afghanistan -- History

رده بندی کنگره: ۳۵۶ DS | رده بندی دیویی: ۹۵۸ / ۱

شماره کتابشناسی ملی: ۸۷۵۱۱۳۹ | اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



انتشارات بدخشان

● افغانستان؛ پیشاملتِ نادرولت

● دکتر محسن خلیلی

○ ویرایش: محمد جولائی شکیب

○ صفحه آرایی: محمد کاظم کاظمی ○ طرح جلد: وحید عباسی

○ چاپ اول، ۱۴۰۱ ○ شمارگان: ۵۰۰ نسخه ○ قیمت: ۱۲۵۰۰۰ تومان

○ ناشر همکار: ترانه ○ چاپ: معین

مشهد، خیابان سعدی، پاساژ مهتاب، پلاک ۳۸، کتاب هیواد

تلفن: ۰۹۱۵۸۱۰۴۴۹۴ - (۰۵۱) ۳۲۲۸۳۰۲۱

hivadbook@yahoo.com

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۹۶۶-۰۱-۴ ISBN: 978-600-6966-01-4

فهرست

۹	آغاز
۱۵	پیش‌گفتار
۷۳	جستار یک: داد و فغان از داستانِ انکشافِ افغانستان
۹۳	جستار دو: دوگانه دولت‌سازی نوین افغانستان
۱۲۱	جستار سه: بسترِ سرزمینی قانون اساسی افغانستان
۱۴۳	جستار چهار: غیبتِ فدرالیسم و افغانستانِ چندپارچه
۱۸۱	جستار پنج: شیعیان افغانستان و فرآیندِ قانون اساسی‌سازی ۱۳۸۲
۲۴۳	جستار شش: نگاه ایرانی به یورشِ آمریکا به افغانستان
۲۸۳	جستار هفت: دردِ سرسازیِ تاریخ و بندیِ چنگارِ گذشته
۲۹۹	پی‌گفتار
۳۰۳	پایان
۳۰۵	کتابنامه

آغاز

دو مرد پا هم سفر می کردند. یکی از آن ها تبری در راه دید و برداشت و گفت: «من یک تبر پیدا کردم.» دوستش گفت: «بهتر است بگویی ما یک تبر پیدا کردیم.» هنوز خیلی دور نشده بودند که دیدند صاحب تبر دارد با خشم به دنبال شان می آید. آنکه تبر را برداشته بود گفت: «عجب اشتباهی کردیم تبر را برداشتیم.» دیگری گفت: «نه، بهتر است بگویی عجب اشتباهی کردم.»^۱

افغانستان، به عنوان کشور همسایه، برای ایرانیان مهم بوده است؛ از دیدگاه تاریخی، ازیک سو، پیروزی محمود افغان بر ایران صفویه، هنوز که هنوز است مایه جدل و جدال است؛ و، از دیگر سو، مسأله ورود پناهندگان افغان به ایران پس از یورش شوروی است که بی شمار دشواره در ذهن ایرانیان و افغانان، جاری ساخته است. ایرانیان و افغانان، جنگ ها داشته اند و صلح ها

۱. جرج فایلر تاونسند، باغ وحش انسانی، ترجمه محمد اسماعیل فلزی (تهران: مازیار، ۱۳۹۹) ص ۷۶.

کرده‌اند؛ دوستی‌ها و دشمنی‌ها داشته‌اند؛ همکاری‌ها کرده‌اند و رقابت‌ها نموده‌اند و ستیزها ورزیده‌اند.

ولی، گیاهِ افغانستانِ ذهنِ من، زمانی جوانه زد که به وقتِ نمازِ نیمروز، در مسجد جامع هرات، نشسته بودم بر زمین؛ دو نوجوانِ هشت‌نُه‌ده‌ساله دیدم دست‌ها در دست‌هم و سرها به‌سویِ هم خم و فرورفته در بحرِ خود و پشت به من و رو به گنبد مسجد. به‌گمانم در جست‌وجوی خدای بودند. ناگهان، به گذشته پرتاب شدم و آنان را در خود دیدم؛ درواقع، کودکی‌ام را دیدم، نه؛ بلکه نیاکان خود را دیدم در شش صد هفت صد سال پیش از این. در لحظه، وارد یک دهلیز شدم پراز پیچ و خم؛ سرم گیج رفت و به خوابی کوتاه رفتم و سرخوش شدم و در دالانِ زمان، به شتاب رفتم و برگشتم. نه نشان، نه نشانی و نه نشانه؛ نه کودکی در میان بود و نه مستیِ سرخوشانه. مات و مبهوت، نشستم و دست‌برسر کشیدم و دو دست بر چهره؛ چشمانم خیس بود از گریه. نفهمیدم چه بود و چه شد؛ هرچه بود گشاکش‌تن و روان بود و هر کدام، به‌سویی، روانه. افغانستان، در جانم نشست. پیش از این، افغانستان در خاطره‌ی من، حضور یافته بود؛ در دوره‌ی دانش‌آموزی، که کودکی و نوجوانی‌ام را با شنیدنِ طرینه‌ی «و اما افغانستان!» به‌سر کرده بودم. اما، نمی‌دانستم که هزل و جد،

۱. می‌گویند دانش‌آموزی بوده است که خودش را برای امتحان جغرافیا آماده می‌کرده است. چون وقت کافی برای درس خواندن نداشت، فقط فکر و ذهنش را متمرکز کرد بر کشور افغانستان و تمام اطلاعات سیاسی، اقتصادی و جغرافیای طبیعی این کشور را از حفظ نمود. در کلاس، آموزگار، دانش‌آموز مورد نظر را صدا کرد که بیاید و درس را جواب دهد. دانش‌آموز خوش‌ذوق و با استعداد ما هم رفت پای تخته.

معلم: پایتخت پاکستان کجاست؟

دانش‌آموز: پاکستان در مجاورت افغانستان است و پایتخت افغانستان هم کابل است.

معلم: اقتصاد ارمنستان چگونه است؟

دانش‌آموز: شبیه اقتصاد افغانستان است و اقتصاد افغانستان بر پایه‌ی....